



Explaining The Role Of Fotovvatnameh In The Transcendence Of The Moral Field Of Iranian Art

Alireza Bavandian^{*1}, Hadi Farhangdoust²

¹PhD in Art Research, Assistant Professor, Faculty of Arts, Neyshabour University, Neyshabour, Iran.

²Master of Islamic Architecture, Faculty of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Magnanimity was a ritual in ancient Iran that found deeper meanings after mixing with Islamic teachings. Photo letters - as interdisciplinary documents - taught the methods of combining art with ethics to art students - with special rhetoric - This study aims to explain the function of photo letters in promoting professional ethics in Iranian art. For this purpose, with a qualitative method and an interdisciplinary interpretation of the text of the photo letters, the sharing of content and their method with the spiritual tradition of Iranian art has been comparatively studied. The need to reconsider the concepts of photo letters makes it clear that there is a way to promote their content in contemporary art. One of the most important results of this is to preserve the roots and roots of the original Iranian-Islamic culture and civilization contained in the photo letters at the public level and promote the status of art and artists through the establishment of professional identity and ethics. In addition to the moral content of the photo letters, we can also point to their rhetorical literary richness, which has been very significant in consolidating and consolidating their themes; The symbol of the strategic link between Iranian art and Persian literature is the key to entering the treasures of art in this land.
Received: 19/12/2020	
Accepted: 29/05/2021	
	Keywords: Art, Persian literature, traditionalism, photo letter, ethics
Cite this article: Bavandian, Alireza ,Farhangdoust, Hadi. (2022) Explaining The Role Of Fotovvatnameh In The Transcendence Of The Moral Field Of Iranian Art. <i>Interdisciplinary research in persian Language and literature</i> ,Vol. 1, New Series, No.1, spring and summer 2022: pages :117-145. DOI: 10.30479/irpli.2021.14753.1016 © The Author(s).	
Publisher: Imam Khomeini International University	



***Corresponding Author:** Alireza Bavandian

Address: PhD in Art Research, Assistant Professor, Faculty of Arts, Neyshabour University, Neyshabour, Iran.

E-mail: bavandian@ferdowsi.um.ac.ir

تبیین نقش محتوای فتوت‌نامه‌ها در تعالی ساحت اخلاقی هنر ایران*

علیرضا باوندیان^{۱*}، هادی فرهنگدوست^۲

^{۱*} استادیار دانشکده هنر دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

^۲ کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: فتوت آیینی در ایران باستان بود که پس از امتزاج با آموزه‌های اسلامی، معانی ژرف‌تری یافت. فتوت‌نامه‌ها - همچون اسنادی میان‌رشته‌ای - روش‌های آمیختن هنر با اخلاق را به هنرآموزان، با بلاغتی خاص می‌آموزند. این پژوهش با هدف تبیین کارکرد فتوت‌نامه‌ها در اعتلای اخلاق حرفه‌ای در گستره ایران هنری انجام شده است. بدین‌منظور، با رویکرد کیفی و با استفاده از برداشت میان‌رشته‌ای از متن فتوت‌نامه‌ها، اشتراک محتوا و روش آن‌ها را با سنت معنوی هنر ایرانی واکاوی تطبیقی کرده است. اهمیت و ضرورت بازنگری در مفاهیم فتوت‌نامه‌ها، روشن می‌سازد که با روشمندی امکان استفاده ترویجی از محتوای آن‌ها در هنر معاصر وجود دارد. یکی از مهم‌ترین نتایج چنین امری، حفظ سویه و ریشه‌های فرهنگ و تمدن اصیل ایرانی-اسلامی مندرج در فتوت‌نامه‌ها در سطح عموم و ارتقای جایگاه هنر و هنرمندان از طریق تأسی به هویت و اخلاق حرفه‌ای است. جنبه نوآورانه تحقیق مؤید آن است که افزون‌بر وجوه محتوای اخلاقی فتوت‌نامه‌ها می‌توان به غنای ادبی بلاغی آنان هم اشاره کرد که این خود در تثبیت و تحکیم مضامین آن‌ها بسی مؤثر بوده است و نماد پیوند راهبردی هنر ایران و ادبیات فارسی به‌منزله کلید ورود به ذخائر هنر ایران است.

کلمات کلیدی: هنر، ادبیات، سنت‌گرایی، فتوت‌نامه، اخلاق

استناد: باوندیان، علیرضا، فرهنگدوست، هادی. (۱۴۰۱). تبیین نقش محتوای فتوت‌نامه‌ها در تعالی ساحت اخلاقی هنر ایران، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان: ۱۱۷-۱۴۵.



DOI: 10.30479/irpli.2021.14753.1016

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱- مقدمه

جوامع سنتی، در نظر انسان معاصر بسیار ارزش‌مدار جلوه می‌کنند؛ نه به آن سبب که ما از آن فاصله گرفته‌ایم، بلکه از آن‌روی که نگرشی خاص به عالم و آدم و مبدأ آن داشته‌اند. سنت، نه صرفاً به معنای امری قدیمی و گذشته است و نه لزوماً به معنای مقوله‌ای متضاد با فعل دوران مدرن، بلکه به معنای قواعد و قوانین متقن حاکم بر مجموعه جهان است. از این منظر، سنت بر هنر تفوق دارد و به آن مسیر می‌بخشد. انسان‌ها در گذشته به مراتب بیش از امروز سنتی بودند؛ یعنی بیشتر به بواطن امور می‌اندیشیدند. به گونه‌ای که تقریباً هر امری را برپایه اصولی پایدار و جلوه بیرونی متصف به حقیقتی تعبیر می‌کردند که: «دارای منشاء الهی بوده و بر بشر الهام شده است» (نصر، ۱۳۸۸: ۵۸). درباره گستردگی این تفکر در جوامع سنتی گذشته، گنون (۱۳۶۵: ۶۵) بیان می‌دارد: «در هر تمدن سنتی، فعلیت بشری، به هر صورت که باشد، همواره امری منبعث از اصول شمرده می‌شود». جامعه سنتی ما هم که بر بنیاد جهان‌بینی و نگره‌های الهی پدید آمده است، مبنی حقایقی ارزشمند در این زمینه است؛ حقایقی که در فتوت‌نامه‌ها بسیار بر آن تأکید می‌شود. اهل فتوت از راه معرفت قلبی ملترزم به وحی (عرفان) به دریافت‌هایی رسیدند. در وادی عرفان «فتوت، فن پنجم از فنون تصوف و عبارت است از معرفت به کیفیت ظهور نور فطرت انسانی و استیلای آن بر ظلمت نفسانی، تا فضایل خلاق با اسرار ملکه گردد و رذایل به کلی منتفی شود» (دامادی، ۱۳۷۳: ۵۷). بنابراین تدقیق در فتوت‌نامه‌ها می‌تواند از پیوند میان رشته‌ای عرفان با وجه بیانی آن (هنر) خبر دهد و ما را با مقام معنوی هنر ایران بیش از پیش آشنا کند؛ خاصه آنکه موضوع فتوت، همچون هنر، تربیت متعالی نفس انسان است. ضرورت چنین امری را می‌توان توسع هنر در همه عرصه‌های زندگی و نیاز مبرم به شناخت ژرف نمودهای فرهنگ بومی و اصیل اسلامی و ایرانی دانست؛ چراکه «پیشرفت علوم و فنون و صنایع و ارتباطات به‌تنهایی آدمی را به آن هدف‌های عالی و معنویت متعالی نمی‌رساند» (کربن، ۱۳۶۳: ۲۰) و باید با لحاظ تفکر میان‌رشته‌ای به اکتشاف فصول مشترک گنج‌نامه‌های فرهنگ سنتی و متون تاریخی خود بازگردیم و با بهره‌گیری از این منابع، نسخه‌ای پویا برای آینده هنری خود ارائه دهیم. خصوصاً در زمانه‌ای که انسان‌ها بیش از همه وقت با فقر اخلاقی و معنوی مواجه‌اند و فربه‌شدن مفرط تکنولوژی مادی، موجوداتی تک‌ساحتی از ایشان ساخته است؛ چنانکه آثار هنری بیشتر وظیفه اشباع میل تفنن، توهم و تفرعن را برعهده دارند. پژوهش حاضر با درک ضرورت‌های فوق، با هدف استخراج و استنتاج مشی معنوی هنر معاصر از متن فتوت‌نامه‌ها انجام شده است.

۲- ادبیات پژوهش

بررسی مباحث مرتبط با «سنت» همچون فتوت نامه‌ها، باتوجه به دیدگاه‌های متنوع حال حاضر، پیرامون سیر تحول معنوی و محتوایی آن‌ها، همیشه همراه با حساسیت‌های پژوهشی بوده است؛ زیرا «در جهانی که لبریز از حضور سنت است، ارتباط هنر، معرفت و معنویت در کثیری از اشکال فرهنگ سنتی ایران دیده می‌شود» (نصر، ۱۳۸۳: ۲۸۳) و باتوجه به دیرسالی و تأثیرگذاری این متون بر فرهنگ ایرانی-اسلامی و کاربرد آن‌ها در پاسخ‌دهی به مسائل مطرح در عرصه‌های هنر و فلسفه حال حاضر، لزوم بهره‌گیری از ادبیات پژوهشی جدید را برای تولید گفتمان‌های کاربردی و عملی بسی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. به این منظور پژوهش کیفی حاضر، سعی نموده است با نگاهی تطبیقی، محتوای فتوت نامه‌ها را در مسیری هدفمند، به قصد کشف سطح جدیدی از معنی‌داری ارزیابی کند؛ یعنی با بررسی زمینه‌های مختلف شکل‌گیری این مرام و سیر تحول آن، با استفاده از روش تحلیل محتوایی، اقدام به تفکیک مفاهیم و موضوعات مندرج در فتوت نامه‌ها یا پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون آن‌ها نماید. همزمان ابعاد تأثیرگذاری فتوت نامه‌ها را بر انواع هنر- صنعت‌های دوران گذشته بررسی کرده و نهایتاً چارچوبی محتوایی برای مفهوم‌سازی ارتباط این ابعاد نسبت به یکدیگر عرضه بدارد.

۲-۱- لغت و اصطلاح‌شناسی

جوامع سنتی گذشته واژگان رفتاری خاص خود را داشتند که مبتنی بر نظام اعتقادی ایشان بود. واژه فتوت - به مثابه زیبایی معقول و ارزشی - در ضمیر ایرانیان، معنایی آشنا و مکرر دارد. بخشی از عامه مردم با ابعاد تاریخی و فرهنگی آن، آشنایی دقیقی ندارند؛ اما بی‌درنگ با شنیدن واژه «فتوت»، در ذهن آنان جوانمردی و جوانمردان تداعی می‌شود و اغلب، ای بسا اسطوره‌های جوانمردی را هم به‌خاطر آورند. در زبان فارسی معادل «فتی» و «فتوت» به ترتیب «جوانمرد» و «جوانمردی» است (دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل «فتوت») و این دو لغت فارسی در کتب عربی هم دیده می‌شود (ریاض، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲). همچنین «فتوت» برآمده از «فتی» و به معنای «پسندیدگی» است. کلمه «فتوت» لغت متأخر است و در قرآن مجید یا ادب دوران جاهلی عرب دیده نمی‌شود. «فتوت» همچنین به معنای «سخاوت همراه با بزرگواری و بزرگ‌منشی» است (مسعود، ۳۸۱: ۱۱۰۳) و در اصطلاح، گونه‌ای جریانیست فکری و آیین خاص اجتماعی است که قرن‌ها قبل از اسلام در ایران مورد استقبال بوده و مورد حمایت نهادهای اجتماعی بوده است (محبوب، ۲۰۰۰م: ۲۹۱). در فتوت‌نامه شیخ شهاب‌الدین سهروردی تواضع به همراه سخاوت و کرم (بخشش بدون منت) یکی از اصول فتوت بیان گردیده است (ر.ک: کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۰). اهل فتوت به آنچه برای انسان خوبی و خیر را به همراه خواهد داشت می‌اندیشیدند و نیز «دارای شرایط، مراسم و آداب مخصوص بوده‌اند» (پگاه حوزه، ۱۳۸۷). در عرفان، فتوت پنجمین فن از

فنون تصوف است و آن را به این گونه معنی کرده‌اند: «معرفت بر کیفیت ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت نفسانی تا فضایل خلاق با اسرارها ملکه گردد و رذایل به کلی منتفی شود» (دامادی، بی تا: ۱۵۷).

در تاریخ آمده است که اهالی فتوت، پیروان مسلک اخلاقی-صوفیانه-اجتماعی‌ای بودند که «پس از تصوف بیش از هر طریقه‌ای در کشورهای اسلامی رواج داشته است» (نفیسی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). بافت جمعیتی اهالی فتوت بیشتر شامل زائران معنوی، مبشران، مبلغان و پاسداران اخلاق فردی و اجتماعی در اصناف مختلف بوده است. در قرآن اصحاب کهف مصداق فتیان هستند، آنجا که می‌فرماید: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (سوره کهف/۱۳). همچنین فتوت‌نامه‌ها بخش قابل توجهی از ادبیات عامیانه ایران را تشکیل می‌دهند و نماینده فرهنگ توده‌های مردم این مرز و بوم در روزگاران گذشته‌اند (افشاری، ۱۳۸۲: ۱). مهم‌ترین فتوت‌نامه‌هایی که به زبان فارسی نوشته شده عبارت است از: فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی، شمس‌الدین آملی، شهاب‌الدین عمر سهروردی، درویش عل بن یوسف کرکهری، نجم‌الدین زرکوب، علاءالدوله سمنانی، امیر سید علی همدانی، فتوت‌نامه سلطانی از ملا حسین کاشفی، فتوت‌نامه منسوب به عطار و فتوت‌نامه‌های اصناف.

«اصناف» جمع «صنف» به معنای «گونه» و «نوع» است و در اصطلاح به دسته‌های مستقلى از پیشه‌وران گفته می‌شود که فعالیت مشابهی دارند (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۱). صاحبان اصناف در جامعه اسلامی به «اصحاب مهن» و «اصحاب حرف» و «ارباب مهن و حرف» هم معروف و مشهور بودند (الشیخلى، ۱۳۶۲: ۵۲). وجه محتوایی غالب در همه فتوت‌نامه‌ها، ادبیات اخلاقی خاص آنان است. ادبیاتی که مبتنی بر چهار ویژگی «تلطیف محرکات زیباشناختی»، «انذار»، «تبشیر» و «تنویر» موضوع است و می‌کوشد تا التزام اخلاقی هنرمند را استوانه انسجام اثر هنری بنامد؛ بنابراین برخی از محققان عقیده دارند که «فتوت‌نامه‌ها را باید گونه‌ای از اخلاق حرفه‌ای دانست. اخلاق حرفه‌ای به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد» (قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی و به شیوه میان‌رشته‌ای و با برداشت تاریخی از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

۲-۲- لغت و اصطلاح‌شناسی

پیشینه انجام مطالعات در آیین فتوت، سابقه‌ای طولانی دارد. رویکرد موردنظر این پژوهش، بهره‌گیری از امر پیشینه‌یابی در چارچوبی است که منجر به جریان‌شناسی محتوایی فتوت‌نامه‌ها گردد تا بتوان کارکردهای محتمل بر آن‌ها را در طول حیاتشان به‌دست آورد. بدین جهت می‌توان سابقه آن‌ها را مهرتأییدی بر «سنت‌بودن»شان دانست و در چارچوب نگاه سنت‌گرایان معنوی به بررسی آن‌ها پرداخت.

براین اساس معنای مورد نظر این پژوهش از کارکردشناسی را می توان در جنبه های مختلف زیر در منابع کتابخانه ای کاوید:

از جنبه گونه شناسی باید به دو دسته از فتوت نامه ها اشاره کرد (ر.ک: کرین، ۱۳۸۳: ۹):

- ۱) عمومی: بیان خصوصیات، ویژگی ها، آداب و رسوم و اذکار و تشریفات عامه اهل فتوت؛
- ۲) اختصاصی: تبیین محتوای فتوت نامه های عمومی به همراه آداب، فنون و رسوم خاص هر صنف (هنر- صنعت).

از جنبه دوره شناسی و حیات اجتماعی، درباره شکل گیری جریان فتیان، برخی همچون الحنبلی (بی تا: ۳۳۲) خاستگاه سیاسی در دوران عباسیان و برخی همچون کرین (۱۳۸۳: ۱۰۹) سرچشمه آن را ایران باستان یا شهرهای روم شرقی می دانند و معتقدند: «کهن ترین گروه جوانمردان تاریخ ایران که تاکنون شناخته شده اند عیاران هستند» (همان: ۱۳۸). در تاریخ سیستم از عیاران به نام سالوکان نیز یاد شده است. واژه «صعولک» هم که در متون فارسی به معنی عیار به کار رفته معرب همان سالوک است که جمع آن نیز به صورت صعالیک به کار رفته است (افشاری، مدائنی، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۵). سربداران هم گروهی از جوانمردان پاک نهاد ایرانی بودند که به حکومت رسیدند و موفق شدند تا سلسله ای را به این نام تشکیل دهند: «چنین به نظر می رسد که اصول جوانمردی در سده پنجم هجری قمری تکوین یافته است» (راوندی، ۱۳۴۷: ۵۷۳). برخی از مستشرقان اهل فتوت را منحصر به ایران ندانسته و نمونه های مصداقی چون ایشان را در نقاط دیگر عالم هم ذکر کرده اند؛ مثلاً هانری کرین در تطبیق میان اهل فتوت و شوالیه ها به گونه ای همدلی اشاره می کند و سازندگان معماری کلیسای دوره سده های میانه را از جوانمردان و اهل فتوت و برخوردار از عالم هنری و همدلی می داند (کرین، ۱۳۷۷: ۱۰).

به دلایل آسیب شناختی باید گفت: «آنچه در تاریخ اجتماعی ایران به عنوان آیین جوانمردی و گاه فتوت خوانده می شود، (در حقیقت) شیوه ای از حیات روحی است که ریشه های تاریخی و جغرافیایی آن را هیچ کس تاکنون به کمال نتوانسته است مورد پژوهش علمی قرار دهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۵۸). کلی ترین مواردی از این حیات اجتماعی که قابل برداشت از منابع مختلف است این است که «نخستین تشکیلات اصناف و پیشه وران در حکومت های اسلامی، در قالب تشکیلات و ترتیبات گروه هایی مانند عیاران و جوانمردان بود» (اروجی، ۱۳۸۹: ۱۷۲)؛ اما به رغم همه این موارد به رشته تحریر درآوردن تجربه ها و توصیه های اخلاقی رایج نبود و همچون عادت مألوف قوم ایرانی چندان رغبتی به ثبت مکتوب تجربه های ذهنی وجود نداشت: «ظاهراً رسم فتوت نامه نویسی از قرن چهارم یا پنجم به بعد باب شده است؛ ابو عبد الرحمن محمد بن حسن نیشابوری (۴۱۲م) رساله مستقلی به نام کتاب الفتوه دارد. کتاب الفتوه ابن معمار بغدادی (۶۴۲م) و تحفه الاخوان کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (۷۳۰م) نیز از جمله فتوت نامه ها به زبان عربی اند» احمدیان و آقاشریفیان، ۱۳۹۴: ۱۱۵۶) به نظر می رسد

که اولین فتوت‌نامه‌ها در زمان خلیفه «الناصر لدین‌الله» (۶۲۲-۵۷۵) خلیفه عباسی به رشته تحریر درآمده باشد. «الشیخلی» (صادقی، ۱۳۶۲) اصناف دوره عباسی را بررسی کرده می‌نویسد: «هر یک از اصناف، همچنین به رسم اهل فتوت، یکی از پیامبران را واضع و مبتکر حرفه خود می‌دانستند و خود را به او منتسب می‌کردند؛ مثلاً: بافندگان (شعیب)، خیاطان (ادریس)، نجاران (نوح)، بنایان (ابراهیم)، آهنگران (داود)، رنگرزان (عیسی)». از این دوره دو فتوت‌نامه دیگر هم قابل‌شناسایی است که به زبان عربی است: یکی را «احمد بن الیاس النقاش الخرتبرتی» و آن دیگری را «ابن معمار بغدادی» نگاشته است.

از جنبه محتواشناسی شایسته است به مواردی همچون تهذیب نفس و کسب کمالات (وفا، راستی و توبه)، پیروی از اخلاق و شرافت انسانی (تواضع)، آگاهی و رسیدگی به احوالات دیگران (بخشش)، امر به معروف در امور دین و دنیای خلق (نصیحت، هدایت)، اشاره کنیم؛ چراکه جملگی خصوصیات اخلاقی (مرام) برآمده از اصول فتوت هستند.

از جنبه نمونه‌شناسی می‌توان به فتوت‌نامه «احمد نقاش» اشاره کرد که با عنوان *تحفة الوصایا* به نام فرزند درگذشته «الناصر لدین‌الله»، ابوالحسن علی (متوفی ۶۱۱) نوشته شده است. ظاهراً خود ابوالحسن علی نیز فتوت‌نامه‌ای به نام *عمدة الوسيلة* در زمان حیات خود تألیف کرده است. البته برخی عقیده دارند که کهن‌ترین فتوت‌نامه کتاب *الفتوة* نوشته ابوعبدالرحمان سلمی (متوفی ۴۱۲) است. آنچه در فتوت‌نامه سلمی، در مقایسه با فتوت‌نامه‌های پس از او، جالب‌توجه است انتساب فتوت به آدم - علیه‌السلام، نخستین انسان و نخستین پیامبر و به پیامبران دیگر از جمله ابراهیم و یوسف^(ع) است و نیز ذکر آیه‌هایی از قرآن که در آن‌ها از «فتی» سخن گفته شده است.

برخی از فتوت‌نامه‌ها به فتوت نگاهی جریان‌شناختی و استمراری داشته و اذعان نموده‌اند. (محبوب، ۲۰۰۰م: ۲۹۱) که این جریان هرگز در بستر تاریخ توقف نداشته و پیوسته در حرکت و نشر برکت بوده و همگان و همگنان از آن مستفیض و مست فیض شده‌اند. و ای بسا زیبایی و وجاهت درونی فتوت هم به همین بازنایستادگی و پویایی و پایداری آن باشد. حقیقتی که مرزهای مکانی و زمانی را پیوسته درنور دیده و از محدوده‌های تاریخ آفاقی هم بالاتر نشسته است. برای مثال ابن‌رسولی (قرن ۵) «فتوت را میراث پیامبران و امامان می‌شمارد و بر این نظر است که از زمان حضرت آدم آیین فتوت در جهان پیدا شد و آدم به گزاردن حق قیام کرد و چون مدت وی به پایان آمد در باب آن به شیث نبی وصیت کرد و سپس به نوح انتقال یافت و از نوح به سام رسید تا خلیل الرحمن ابراهیم ظاهر شد و به فتوت ابراهیم در قرآن تصریح شد. آنگاه در زمان موسی آنچه از جوانمردی پنهان مانده بود آشکار شد و موسی آن را به هارون فرمود و پس از آن فتوت در مسیح ظاهر شد و سرانجام به حضرت رسول اکرم رسید» (نادری، ۱۳۹۵: ۴۰)

درباره پیشینه پژوهش می توان به پژوهش هایی که با محوریت هنر در ارتباط با فتوت نامه ها انجام شده است اشاره کرد؛ مثلاً بهمن فیزیایی در مقاله ای با عنوان «بررسی سنت های آموزش هنروری در فتوت نامه ها» که در مجله آینه خیال به چاپ رسید به تبیین آرای واعظ کاشفی درباره مراتب و قواعد فتوت، مطرح در کتاب فتوت نامه سلطانی می پردازد و اظهار می دارد که وی در این کتاب به «سخا» و «صفا» و «وفا» به مثابه مراتب فتوت روی آورده و اعتقاد داشته است که «سخا» یعنی این که انسان هرچه دارد از هیچ کس و اندارد، دوم «صفا» که سینه را از کبر و کینه پاک و پاکیزه سازد و مرتبه آخر «وفا» است که هم با خلق نگه دارد و هم با خدا.

محمدرضا شفیع کدکنی در کتاب قلندریه در تاریخ ضمن بیان ماهیت فتوت نامه ها به تاریخ تحقق آن ها نیز اشارتی دارد و بیان می دارد که سرآغاز تدوین فتوت نامه ها قرن پنجم هجری است. قرن که ورود به جمع اصحاب فتوت آداب ویژه ای به خود گرفت و به تدریج نوشتن فتوت نامه به عنوان منشوری اخلاقی رواج یافت.

یکی از قدیمی ترین کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده رساله قشیریه است که در آن قشیری نیشابوری - متفکر قرن پنجم هجری قمری - به بیان مبانی و اصول فتوت می پردازد. همچنین می توان از فتوت نامه های سهروردی نیز نام برد که در آن ها به اخلاقیات، از نوعی که «سلمی» و «قشیری» درباره فتوت گفته اند، توجه دارد؛ تا بدانجا که در تعریف فتوت سخنی را نیز از سلمی نقل کرده است. در قرن هفتم هجری و اندک زمانی پس از شهاب الدین سهروردی، عازفی از اهالی «سیواس» در «آنا تولی» به نام ناصرالدین خسرو (مولانا ناصری)، نخستین فتوت نامه منظوم فارسی را سرود. این فتوت نامه را برای اولین بار مستشرق آلمانی به نام فرانتس تشنر تصحیح و منتشر کرد. فتوت نامه هایی هم هستند که به ارکان فتوت پرداخته اند؛ برای مثال فتوت نامه نجم الدین زرکوب (متوفی به سال ۷۱۲ هجری قمری)، فتوت نامه کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (متوفی به سال ۷۳۰)، فتوت نامه علاء الدوله بیابانکی (متوفی به سال ۷۳۶ هجری قمری)، فتوت نامه حسینی همدانی (متوفی به سال ۷۸۶ هجری قمری) و رساله آداب المشق میر عماد الحسنی که به خط خود او هم تحریر شده است.

از نظر برخی از محققان راه جستن به راز هنر این سرزمین تنها از مسیر نگاه عمیق به درون این آثار و سیر در فضای روحانی آن میسر است. از جمله سید رضی موسوی، در کتابی با عنوان در آمدی بر روش شناسی هنر اسلامی می نویسد: «پیروی از اصول اخلاقی و انسانی و ایجاد فضائل در انسان ها از اهداف برجسته همه فرهنگ هاست و بسیاری از حکیمان و عارفان در ایجاد نظام ارزشی و اصول اخلاقی آن کوشیده اند؛ آن چنان که در پاره ای از فرهنگ ها، شکل گیری روحیه جوانمردی و فتوت، گونه هایی از آیین ها، مرام نامه ها و اصول تدوین شده در حکمت عملی را دامن زده است.» (موسوی،

شکل‌گیری فتوت‌نامه‌ها در اصناف و مشاغل مختلف در جامعه ایران، علاوه بر آنکه نظام اخلاقی و حرفه‌ای هنر و هنرمندان دوران بوده است، عاملی برآمده از بستر اجتماعی دوران هم به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که باید ابتدا مفهوم هنر-صنعت را در ادوار مختلف کاوید و سپس بستر اجتماعی هر دوره را به‌صورت مستقلی بررسی کرد؛ زیرا نقش و تأثیر متفاوتی برحسب مورد بر اصناف و مرام‌نامه آن‌ها داشته است. کارکرد کلی فتوت‌نامه‌ها بر هنرهای مختلف این بوده است که «این جوانمردی‌نامه‌ها (فتوت‌نامه‌ها) افزون بر اینکه منش جوانمردی را به خوانندگان خود - به وجهی استذکاری- می‌آموزد آنان را با آداب و رسوم و پندارهای پیشه‌وران گذشته سرزمین‌های اسلامی نیز آشنا می‌کند: فتوت‌نامه چیت‌سازان، فتوت‌نامه آهنگران، سلمانیان، سقایان، فتوت‌نامه قصاب، طباخان و غیره، ازجمله این‌گونه فتوت‌نامه‌ها هستند». به دیگر سخن، آیین متجلی در فتوت‌نامه‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده‌اند که بررسی آن‌ها، پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ اما آنچه مسلم است، فتوت‌نامه‌ها حاصل اجماع ارادی و اخلاقی اهالی هنر (که ماهیت هنر را گونه‌ای کار و لذا صنف می‌دانستند) در طول تاریخ بوده است. پس برای بررسی سیر تحول محتوایی فتوت‌نامه‌ها، باید عوامل کلان تأثیرگذار را بکاویم تا به چگونگی و بعد به چرایی ظهور مفاهیم آنها برسیم.

جدول ۱- سیر تحول محتوایی آیین فتوت و فتوت‌نامه‌ها براساس تحولات اجتماعی دوران مختلف تاریخی (منبع:

نگارندگان)

دوره تاریخی	مهم‌ترین تحولات اجتماعی	تأثیر بر تحولات معنوی فتوتیان	منابع
ساسانیان (۲۲۶-۶۵۲م)	پیشه‌وران را نیروی مهم، بافرهنگ و غالباً مسیحی‌کیش معرفی می‌کنند. همچنین شاپور اول ساسانی (۲۴۱-۲۷۲م)، أسرا و اتباع زیادی را در کارگاه‌هایی پیرامون کاخش در نزدیکی شوش امروزی، زیر نظر پیشکسوتان و اساتیدی به نام سریانی «کروگبد» (qarugbed)، در حرف مختلف به کار گمارد.	انتقال جایگاه فرهنگی و تشکیلات انسانی پیشه‌وران ایران باستان (سرزمین‌های مفتوح مسلمانان) به بعد از اسلام، آن‌گونه که نیازهای جدید جامعه اسلامی بدان افزوده شد و اصناف اسلامی با تغییراتی بر آن اساس پدید آمد.	(۱) و (۲)
سده‌های نخستین حکومت‌های اسلامی (قرن‌های ۱-۳ ق/۶-۹م)	ورود اسلام و تسلط سیاسی- فرهنگی آن بر جامعه ایران، دوران تغییرات اجتماعی بوده است که احتمالاً نوع حکومت‌داری در دوره عباسیان، بیشتر زمینه‌ساز ایجاد مسلک‌هایی چون فتیان به‌عنوان گروه‌های اجتماعی برای ایجاد هم‌بستگی اجتماعی در جامعه شده است.	حفظ و تطبیق ارزش‌های فرهنگی ایران باستان و آموزه‌های اسلامی، زمینه‌ساز شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی و معنوی و هسته‌های اولیه از اجتماعات فتیان شده است.	(۱۵)
سده‌های نخستین و میانه حکومت‌های اسلامی	توجه و نقش فعال اجتماعی گروه‌هایی از عیاران، جوانمردان و فتیان به مسائل و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران.	براساس فتوت‌نامه‌ها، جوانمردی و فتوت، از گرایش‌های اصلی اصناف و پیشه‌وران است.	(۳) و (۴)
قرن‌های ۳-۶	ایجاد تشکیلات سلسله‌مراتبی در بین عیاران و جوانمردان که رئیس را امیر، قائد، نقیب، سرهنگ و عریف می‌نامیدند و بین	انعکاس ارتباط دوسویه بین افکار، رسوم و سنت‌های اهل تصوف و اصناف و	(۲) و (۵)

ق/ ۹-۱۲م)	اصناف و پیشه‌وران که رؤسای کسبه را محتسب، عریف، امین و مقدم می‌نامیدند و محترفه در زیر نظر و امرشان بودند. بعداً ارتباط اصناف و پیشه‌وران، با اهل تصوف، درجات شیخ، استاد و شاگرد در بین هر دو گروه ایجاد گردید. همچنین نفوذ اسماعیلیه و قمرطیان در تکامل و تطور حرف اصناف اسلامی و ارتباط و نفوذ معنوی بر آنان، دوران خاصی از جنبه سیر تحول تاریخی و معنوی اصناف ایجاد کرد.	پیشه‌وران - که باعث ایجاد فرقه کرامیه، و گسترش عیاران و فتوتیان در نیشابور و سیستان شد- در تاریخ شفاهی و فتوت‌نامه‌های این دوران. همچنین نفوذ گروه اخوان الصفا و انجمنشان در (۱۰) و اصناف و پیشه‌وران، و اختصاص یکی از (۱۱) ۵۲ رساله‌شان به حرف، و در فتوت‌نامه‌های عصر فاطمیون
	رشد کالبدی و رونق اجتماعی سریع شهرها، باعث گسترش تبادلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه گردید. به گونه‌ای که شرایط تجمع صاحبان حرف، صنایع و پیشه‌وران در اماکن مخصوص ایشان، یعنی راسته بازارها، فراهم شد. هر صنفی، بازار مشهور و مختص به خود داشت؛ ولی الگوی شهرهای اسلامی هنوز همانند دوران باستان (کهن‌دژ، شارسن، رَیض) بود و بعدها براساس نیاز بازاریان تهیه می‌شد. تبادلات بین شهری باعث افزایش کاروانسراهای دارای حجره و دکان شد.	آغاز حضور زنان در پیشه‌وری و حجره‌های بازار (مثلاً در نیشابور و غزنین) و گسترش حرف و راسته بازارهای مختص به هر کدام در شهرها، باعث تنوع کمی فتوت‌نامه‌ها شد. و گستردگی حرف و بازارها از غرب به شرق ایران، همزمان با تنوع حرف، بر جزئیات محتوا و کیفی فتوت‌نامه‌ها افزود و به ادبیات نیز کشیده شد.
	گسترش شهرنشینی و ثبات و آرامش از سامانیان تا قبل از حمله مغول‌ها باعث شد گروه‌ها و تشکیلات اصناف به ریاست «کلو»ها، در ارتباط و زیر نظر حکومت‌ها (دستگاه حسبه و محتسب و عریف)، به عنوان واسطه بین دکان و حجره‌داران، و حکام و والیان، برای جمع‌آوری مالیات، توزیع کالا، نظارت و بازرسی مشاغل و غیره شکل گیرد.	برنامه‌ها و حقوق تشکیلاتی و سنت‌های جمعی (صنفی) شکل آشکارتری گرفت. فتوت‌نامه‌ها چارچوب عملی‌تری گرفت و دستورالعمل دکان‌داری را نیز شامل می‌شد، و غالباً مورد استناد ناظران حکومتی و «کلو»ها بود.
راهنمای منابع	(۱) پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۳۸۲-۳۱۱. (۲) الشیخلی، ۱۳۶۲: ۵۶-۵۵. (۳) اروجی، ۱۳۸۹: (۴) کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۶۰-۲۶۲، ۱۰۲-۱۲۷. (۵) کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۳. (۶) فقیهی، ۱۳۵۷: ۵۶۵ (۷) ابی‌الخیر، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۸، ۹۶-۹۹. (۸) بهار، ۱۳۸۱: ۳۲۹. (۹) شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۱. (۱۰) ماسینیون، بی‌تا: ۱۷۹-۱۸۱ و آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۱، و لوئیس، ۱۳۶۲: ۱۱۸، و خواجه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۴۴: ۲۳۹ و ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۳۸-۱۴۹. (۱۱) اخوان الصفا، ۱۹۶۳م. (۱۲) اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۹۲ و ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۲، ۱۶۶ و سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۳۴، ۱۲۶-۱۲۷ و ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۹۴ و الشیخلی، ۱۳۶۲: ۲۱، ۱۱۷ و آدم متز، ۱۳۷۷: ۵۰۱ (۱۳) ابی‌الخیر، ۱۳۸۱: ۲۰۹-۲۱۰ و بیهقی، ۱۳۷۰: ۱۲۸-۱۲۹ و مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۷۴-۴۷۵، ۶۴۲ و باسورث، ۱۳۷۸: ۱۵۲-۱۵۹ و قابوس، ۱۳۴۵: ۲۴۱-۲۴۴. (۱۴) ابن‌اخوه، ۱۳۶۰: ۹ و خواجه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۴۴: ۵۱. (۱۵) الحنبلی، بی‌تا: ۳۳۲	

۳- یافته‌ها

با بررسی محتوایی فتوت‌نامه‌ها و آثار پژوهشی پیرامون آن‌ها، می‌توان به نظام عرفانی و اخلاقی آن‌ها پی برد. باتوجه به اینکه فتوت‌نامه‌ها و آیین فتوت، مبتنی بر سنت بوده است و ارزش‌های معنوی مختلفی بر

آن متصور و متجلی است، می‌توان آن را از مسیر تفکر سنت‌گرایان معنوی بررسی کرد. بررسی اولیه محتوای فتوت‌نامه‌ها و پژوهش‌های پیرامون آن‌ها نشان می‌دهد که «آنچه سنت‌گرایان در باب هنر نگاشته‌اند، با تعالیم مندرج در فتوت‌نامه قرابت داشته و از این حیث این دو میراث، قابل سنجش، مقایسه و تناظریابی هستند» (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۰۴)؛ ولی باتوجه به تفکیک موضوعات مختلف، در حال حاضر (در ساحت هنر) و به منظور کاربردی‌شدن این موضوعات، یافته‌های حاصل، مبنی بر نظریات سید حسین نصر، به صورتی تطبیقی و در قالب سه نظام مجزا زیر ارائه و بررسی می‌گردد:

جدول ۲- تطبیق وجوه متفاوت هنر در نزد سنت‌گرایان معنوی با نظام محتوایی فتوت‌نامه‌ها و آیین فتوت (منبع: نگارندگان)

انواع هنر سنتی	منشاء	الزامات شناخت تطبیقی (درک فرآیند و کارکرد)	وجه تطبیق با هنر امروزی
هنر مقدس (۱)	وحياني	مشروط به شناخت اصول، روش‌ها و مبانی آن دین است.	آیین و مناسک (نظام عملکردی)
هنر سنتی (۲)	سنت‌گرایان	شناخت منابع و روش‌های آفرینشی در هنرهای سنتی و تفکیک آن‌ها از آیین و روش‌های هنر آفرینی مقدس.	ارزش‌های آفرینش هنری (نظام ارزشی)
هنر دینی (۳)	هنرمندان سنتی	شناخت محتوا، روش و هدف در نزد هنرمند سنتی و تفکیک آن از محتوا و هدف هنر سنتی، همچنین تفکیک آن از محتوا، روش و هدف در هنر مقدس.	اهداف آفرینش هنری (نظام معنوی)
راهنمای منابع	(۱) و (۲) نصر، ۱۳۸۹: ۷۹ (۳) نصر، ۱۳۸۱: ۴۹۴-۴۹۵		

۱-۳- ماهیت فتوت و ماهیت هنر

از جنبه نظام ارزشی، فتوت همواره برای انسان ارزش‌ها و سودمندی‌های بسیاری به همراه داشته است تا آنجاکه گفته‌اند: «منفعت فتوت آن است که جوانمرد پیوسته شادمان، خوشدل، مشفق و ناصح خلق خدا در مصالح دین و دنیا است و به مهمات دینی و دنیوی خلق خدا بی‌تکلف قیام می‌نماید، و چنان‌که خود به کسب و کار مشغول بوده تمامی رفقا و اصحاب را نیز بر آن دارد و ایشان را در آن مُمد و معاون باشد» (صراف، ۱۳۷۰: ۶۶). در نتیجه می‌توان گفت فتوت‌نامه‌ها، ماهیت معنوی دارد.

به نظر می‌رسد، ماهیت فتوت از صفات کمالیه الهی باشد؛ براین اساس می‌توان به نظر برخی از محققان اشاره کرد که در مورد چیستی فتوت اظهار داشته‌اند که «فتوت، ظهور نور فطرت است؛ پس در ابتدا باید اسباب تزکیه نفس و تصفیه دل را فراهم نمود» (عبدالرزاق: ۱۳۶۹: ۲۳۳). همچنین در برخی منابع، پایه و اساس در سلسله مراتب کمالات این مسلک، براساس کسب فضائل اخلاقی است؛ مثلاً واعظ کاشفی بیان می‌کند: «هر که مظهر صفت فتوت باشد او را قتی می‌گویند و در اصل لغت به معنی جوان است؛ بنابراین اطلاق فتی بر جوان، حقیقت و بر غیر آن مجاز می‌باشد و آن مجاز را از روی معنی

بر کسی که به کمال فضائل انسانی رسیده باشد اطلاق کنند و وجه مجاز آن است که سالک مادام که در قید هوای نفس و آرزوی طبع باشد به مثابه کودکی نارسیده باشد و چون از مرتبه نفس ترقی نموده و به مقام دل رسد به منزله جوانی رسیده باشد و چنانچه جوان را کمالات بدنی حاصل شود جوانمرد را نیز کمالات انسانی و قوت های معنوی حاصل آید و در این مرتبه او را فتی گویند» (۱۳۵۰: ۱۷). تعابیری چون «مرد هنرمند» و «مرد هنرپیشه» را در ادبیات فارسی بسیار شنیده ایم. همواره در گونه های مختلف نظم و نثر پارسی «هنر» در معنای شریف آن یعنی فضیلت به کار برده شده و با معنی امروزی آن - که برابرنهاد واژه «Art» است - مسافت های معنایی بسیار دارد. در زبان پارسی ریشه لفظ «هنر» به زبان اوستایی و از آنجا به زبان سانسکریت می رسد. لفظ «هنر» در زبان سانسکریت، ترکیبی بوده از دو کلمه «سو» و «نر» یا «نره». «سو» به معنی «نیک» و «نر» یا «نره»، (nara یا nar) به معنی «زن» و «مرد» است. در زبان اوستایی، «س» به «ه» قلب شده و این لفظ، تبدیل می شود به «هو» (hu) و در ترکیب، به «هونر» (hu-nara) که در اوستا از صفات اهورامزدا تلقی شده است، و نیز «هونرتات» (hunartat) به همین معنی است. «هونرونت» (hunarvant) صفت است، و در تأنیث «هونروئیتی» (hunarvaiti) می آید. «هونر» در زبان فارسی میانه یا فارسی پهلوی نیز وارد شده است، به صورت «هنر» (hunar) که معنی لغوی آن انسان فرزانه و صاحب فضیلت است. در ادبیات قدیم فارسی، هنر را به معنای «کمال» و «فضیلت» تلقی می کردند:

- | | |
|---|--------------------------------------|
| چرخ شب و روز نکردی سفر | گر سفر از خاک نبودی هنر |
| (نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، بخش ۵۶، مقالت نوزدهم) | |
| گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر از این؟ | ناصرحکم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق |
| (حافظ شیرازی، غزلیات، غزل شماره ۴۰۴) | |
| نه به دیدار و به دینار و به سود و به زیان | شرف و قیمت و قدر تو به فضل و هنر است |
| (فرخی سیستانی، دیوان اشعار، قصاید، شماره ۱۵۵) | |
| مر این داستان زد یکی هوشیار | گهر بی هنر ناپسند است و خوار |
| (فردوسی طوسی، شاهنامه) | |
| با جان هنر قرین شمارش | هر کو هنری است، عیب خود گفت |
| (خاقانی شروانی، دیوان اشعار، قطعات، شماره ۲۱۱) | |
| صاحب هنر نگیرد بر بی هنر بهانه | صوفی و کنج خلوت، سعدی و طرف صحرا |
| (سعدی شیرازی، دیوان اشعار، غزلیات، غزل شماره ۴۹۵) | |

در همه تعابیر ذوقی فوق به‌ترتیب از خود به در شدن، اندوه انسانی پایدار، شرافت، ذات برین، خردورزی، نوع‌دوستی و سوز انسانی همه در ذیل ماهیت هنر دیده شده است.

درباره ابعاد اخلاق عملی نیز در برخی از منابع مکتوب آمده است که «خلق نیکو چه در ظاهر و باطن و چه در خفا و آشکار» (سلمی، ۱۳۹۷: ۱۱). بنابراین اگر هنرمند مبتلا به ریا شود و مفارقتی با درون و بیرون او پدید آید دیگر هنر او در زمره فضائل نیست و از جرگه اخلاق هنری برون جسته است. همچنین هنرمند از آن‌روی که حاصل خلاقیت و عرق‌ریزی‌های روحی خود را بی‌مهابا و منت به انسان‌ها سخاوتمندانه می‌بخشد، از آن حیث که درون خود را از رذائل پالوده است و از آن منظر که با مخاطبان خود (و در اصل با تاریخ) جانب وفا نگه می‌دارد و مودّت و محبت خود را با خدا و خلق خدا پایدار نگه می‌دارد از اهالی فضیلت و فتوت است؛ زیرا گفته‌اند که «فتوت را سه مرتبه است: اول سخا که هرچه دارد از هیچکس و ندارد، دوم صفا که سینه را از کبر و کینه پاک و پاکیزه سازد و مرتبه آخر وفاست که هم با خلق نگه دارد و هم با خدا. مظهر صفت فتوت فتی یا جوانمرد نامیده می‌شود. ابراهیم خلیل‌الله به عقیده اهل فتوت اول‌نقطه دایره فتوت و ابوالفتیان است و سند اهل فتوت به علی‌بن ابی‌طالب^(ع) منتهی می‌گردد» (فیزایی، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

فتوت‌نامه‌ها برای نیل انسان به فتوت و جوانمردی، بستر هنرورزی (به‌معنای شریف لفظ) را از مهمترین الزامات برمی‌شمارند. «اندیشه» و «پیشه» و «ریشه» سه مفهوم بنیادی در هندسه فکری فتوت‌نامه‌ها است. نمی‌توان به فتوت رسید بی‌آنکه پیشه‌ای داشت و در ارتقای اخلاقی خود به‌واسطه آن پیشه نکوشید. جهان، یک واحد کار منتشر است:

مرد هنرپیشه خود نباشد ساکن
کز پی کاری شده است گردون گردان
(ابوحنیفه اسکافی)

قطره‌ای کز جویباری می‌رود
در پی انجام کاری می‌رود
(پروین اعتصامی)

«بررسی فتوت‌نامه‌ها با نگاهی به مباحث معنوی هنر نشان می‌دهد که یکی از بسترهای رشد باطنی و معنوی انسان، پیشه‌وری و هنرورزی است» (موسوی گیلانی، ۱۳۹۸: ۱۱). برای الحاق به دایره جوانمردان شرایط ویژه‌ای لازم بود که در بیشتر فتوت‌نامه‌ها از آن سخن به میان آمده است؛ ازجمله می‌توان به فتوت‌نامه عربی «ابن‌معمار» در قرن هفتم اشاره کرد که در آنجا شرایط پذیرفته‌شدن در گرو جوانمردان: مرد بودن، بالغ بودن، عقل‌داشتن، دین‌داشتن، عیب و نقص نداشتن و مروت ذکر شده است (ابن‌المعمار، ۱۹۸۵: ۱۶۳). طی طریق در مسیر فتوت نیاز به دو ابزار نظری و عملی دارد: طی این طریق هرگز بدون راهبر مشفق - که گاه از آن به خضر راه و هدهد طریق یاد شده است - میسر و ممکن نیست:

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

حافظ

هنرورزان اهل فتوت در هیچ برهه‌ای از زمان نمی‌بایست دست از دامان مهرپرور استاد خود بردارند و از تأسی به آموزه‌های عملی وی بازمانند و ارادت مشفقانه به استاد را وانهند. چنین بود که «جوانمردان قولی در مراسم تشرف به جوانمردی به زبان عهد می‌کردند که یار و همراه استاد و پیر خود باشند. این وعده و عهد را اصطلاحاً قول می‌گفتند و برای همین آنان را قولی می‌نامیدند» (ناصری، ۱۹۴۴: ۲۴). آنان تنها به «خود» نمی‌اندیشیدند و چون عیاران به گشایش مشکلات دیگران هم اهتمام داشتند؛ زیرا اعتقاد داشتند که:

آن نَفَسی که با خودی، خود تو شکار پشه‌ای

وان نَفَسی که بی خودی پیل شکار آیدت

جمله بی‌قراریت در طلب قرار توس

طالب بی‌قرار شو تا که قرار آیدت

مولوی

تأسی به استاد، تمسک به اکتساب فضیلت است و فضیلت، بنیان مرصوص فتوت‌نامه است: «اهل فتوت وقتی می‌خواستند صنعتی را بیاموزند ابتدا آداب تزکیه نفس و مراقبه را از استاد صنعت خویش فرامی‌گرفتند. از این‌رو هنرشان به هیچ‌وجه جنبه نمایشی نداشت و کمتر اتفاق می‌افتاد که نام خویش را بر اثر خویش حک کنند» (پازوکی، ۱۳۸۶: ۹۸). به همین خاطر شاید بتوان تعبیر «گمنامانِ نام‌آور» را در مورد ایشان به کار برد.

«رسالة صناعیه میرفندرسکی و بحث صنایع لطیفه ملاصدرا به‌خوبی نشان می‌دهد که مفهوم هنر در نظرگاه این حکما در قالب صنعت یا فن نمود یافته است» (امام جمعه، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در واژه «صُنْع»، جلوه‌های معنایی خاصی وجود دارد که اثر هنری را همچون مصنوع خلاق هنرمند به حضرت صانع پیوند می‌زند و به‌گونه‌ای مرجع اصیل آن را به ذهن متبادر می‌سازد. هنرمندان به‌مثابه جوانمردان وادی ذوق برای بلوغ معنایی و غنای محتوایی آثار هنری خود پیوسته خود را نیازمند اکتساب حکمت می‌دانستند: «نیاز صنعتگران به معانی حکمی و نظری صنعتشان که بر اثر وحدت درونی صناعات با فلسفه و حکمت به‌وجود آمده بود، خود ضرورتی انکارناپذیر در رجوع اهل صنعت به حکما بوده است» (بلخاری، ۱۳۹۰: ۱۴۷). البته در این میان حکیمانی چون ملاصدرا قرابت بیشتری با اهل هنر داشته‌اند: «ملاصدرا قطعاً یکی از معدود فیلسوفان دنیای اسلام است که اولاً هم صنعت را هنر دانسته و هم هنر را صنعت؛ ثانیاً برای هنر به‌مثابه صنعت، نقش اجتماعی، فرهنگی و حتی عرفانی قائل شده است» (بینای مطلق و ایزدی دهکردی، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

۱-۱-۳- فتوت هنری

هنر در بستر تاریخ هرگز همچون دوران معاصر - به‌ویژه در نزد فرمالیست‌ها - صرفاً ابداع صور جذاب و نوآمد نبوده است؛ بلکه می‌بایست در تخلّق جامعه به اخلاق سهمی داشته باشد: «هنر هنگامی به افق‌های خویشتن می‌رسد که صورت، محتوا، قالب، جالب‌بودن و حقیقت در یک نظام عالی و وحدت والا قرار بگیرند» (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۱)؛ بنابراین هنر از همان نخستین دم پیدایش خود با ادیان و آیین‌های معنوی و دینی همراه و هم‌داستان بوده است.

انسان همیشه به باطن اثر هنری گرایش داشته و روح هنر را ستوده و تکریم کرده است: «روح یک اثر هنری درواقع معنایی است که در آن اثر بیان شده و به میزانی از معنا که در اثر گنجانده شده بستگی دارد» (اعوانی، ۱۳۸۰: ۶۰۸). هنر به‌سان انسان همیشه به عوالم برین چشم دوخته است؛ چراکه او همواره چهار گمشده فطری داشته است: انسان همیشه به دنبال حقیقت بوده و کوشیده تا از باطن وقایع مطلع شود. در راستای این مهم با دانش مواجه گردیده است. نیز همواره به دنبال خوبی و رفتارهای نیکو بوده و از بدی تنفر داشته و در مسیر یافتن خوبی با اخلاق روبه‌رو شده است. انسان همچنین خوی پرستش‌گری داشته و در تلاش بوده تا آن قدرت بی‌چون حاکم بر همه پدیده‌ها و پدیدارها را بشناسد و در جهت او به نیایش بپردازد. به عبارتی آدمی همیشه پُرسنده پُرسندگی بوده است. به‌رغم همه این موارد او گمشده دیگری هم به نام زیبایی داشته که در راه جستن آن با هنر مواجه و بلکه ملازم گردیده است. از این زاویه می‌توان هنردوستی را مطالبه‌ای فطری، گونه‌ای فضیلت و مقارن با جوهر دین خواند. هنرمندان جوانمردانی بوده‌اند که همیشه از ظرفیت‌های ارتباط‌ساز هنر برای پیوند با گمشده‌های فطری انسان توشه‌اندوژی کرده‌اند. سنت همواره انسان را به شناخت برترین علم و برترین معلوم فراخوانده است. سنت همیشه انسان را به جنبه‌های پایدار زندگی دعوت می‌کند و هنر سستی به‌عنوان زبان تبیین‌گر سنت همیشه به مخاطبان خود ثبات رأی و نظر داده است: «هنر سستی، آمیزه‌ای از حکمت و مهارت در ظاهری زیباست» (خزایی، ۱۳۹۱: ۲).

هنر رسالتی معنوی دارد؛ از آن‌روی که حقایق و زیبایی‌ها را با نظر به ساحت باطن، بیرونی و مشهود می‌سازد. در هنر مبدأ به گونه تجلی درمی‌آید تا تجلی بتواند دوباره به مبدأ رجعت نماید. اهالی فتوت هم چنین‌اند. ایشان در بند عادات مألوف نمی‌مانند. فتوت هنری ایجاب می‌کند که هنرمند از امر متعارف بگذرد. از این‌رو است که در هنر سستی، همه‌چیز در کسوت نماد جلوه‌گری می‌کند. تأثیر جهان‌نگری فقیان بر آثار و عرصه‌های هنری ایران کاملاً مشهود است؛ برای مثال در گونه‌های خاصی از نگاره‌های ایرانی - که با عنوان سبک بهزادی شناخته می‌شوند - بر موضوعات عامه مردم و کار و کردار و جهان‌نگری آنان بسیار تأکید می‌گردد. در آیین فتوت نرم‌خویی با مردم و چشم‌پوشی از لغزش‌های

ایشان اهمیت والایی دارد. نه تنها در هنر که در پهنه ادبیات فارسی - چنانکه گذشت - این فتوت سرشار و هجرت به درون را به روشنی می بینیم.

ادبیاتی که همچون نگارگری و معماری و خوشنویسی، آمیخته با حکمت و سرشار از لطایف معنوی و گره خورده به وجدان دینی است. آثاری که همیشه مخاطب خود را از گم گشتگی در کثرات به جانب حقیقت یگانه دعوت کرده است: «فهم و درک حکیمانه این آثار، محتاج تلاشی درونی و سلوکی عارفانه است» (کربن، ۱۳۷۰: ۳۳). فتوت نامه ها را شاید بتوان گونه ای از اسناد هنر و ادبیات معنوی دانست که با واسطه امور طبیعی به هستی پل می زند و با دگرگون سازی استعاره منطقی مادی طبیعت، دنیای نادیدنی معقول را در مطلوب ترین شکل ممکن متجلی می سازد. اهل فتوت درون گریند و شهود، ذات درونی دارد. هنر اسلامی ایرانی از آنجاکه با وجود، رابطه ای اُنسی دارد، از همان ابتدا کار خود را با شهود آغاز می کند و گفته اند که «هنر عبارت است از شهود» (کروچه، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

«فتوت» در این مجال به معنای باقی ماندن بر رسوم متعارف مستعمل نیست؛ بلکه مستلزم رهایی و گسست است. تنها به این وسیله است که می توان به دریافت های تازه ای از ارتباط معنایی میان شهود و هنر و شهادت رسید: «رسیدن به درجه شهود، گذر از مرز زمان و مکان، شکستن تعینات مادی، رهایی از فرم ها و قالب های ظاهری است» (معمودی، ۱۳۶۸: ۲۰۲). در تفسیر آیه شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ می توان گفت که شهادت خداوند به وحدانیت خود، آفرینش همان چیزهایی است که در جهان و درون ما بر وحدانیت او دلالت می کند. «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ» برای همین است که «جریان فرهنگ ساز بعثت، انسان را به مطالعه کتاب گشوده و گشایشگر طبیعت تشویق می کند تا علاوه بر افزایش سطح معلومات، به اسرار پیچیده خلقت واقف گردد و نه تنها از طریق توسعه آگاهی و معلومات به توسعه و بسط حیات برسد، بلکه به وسیله نشانه های زیبا و گویای موجود در خلقت، به سرچشمه زیبایی ها دست پیدا کند» (تقوی، ۱۳۸۵: ۳۲۶). پس طبیعت، غایت طریق نیست. طبیعت، یکسر آیه و نشانه است. فتوت آن است که از نشانه ها بگذریم و به دلالت آن ها توجه کنیم. هر نقش، تنها نقش نیست؛ بلکه واجدِ وجاهت معنوی نقاش نیز هست. ظاهر زیبای هر نقشی در حکم صورت معنایی نادیدنی و به غایت مرموز است.

۲-۱-۳- گونه شناسی کارکردی فتوت نامه ها

انسان همیشه به دنبال آن بوده تا تجربه ها، اهداف و دانش خود را از مسیر کلام مکتوب با دیگران به اشتراک بگذارد. این اساسی ترین جنبه و کارکرد ادبیات به شمار می رود که منجر به توسعه روند تفکر می گردد. باین همه از کارکرد و چگونگی تأثیرگذاری آن بر نظام فکری و رفتاری خود کمتر می دانیم. ادبیات هر قومی کلید ورود به سوی گنجینه های فرهنگی، علمی و ذوقی آن هاست. یکی از مقاصد اصلی

ادبیات کاوشگری در ژرفای وجود انسانی است؛ راهی برای برقراری انواع ارتباطات و پیوندها درخصوص طیف وسیعی از آرمان‌ها و دغدغه‌ها. ادبیات در بستر تاریخ همواره یاریگر شناخت وقایع، فرهنگ‌ها و جوامع انسانی بوده است. انسان به این وسیله نه تنها بر دیگران تأثیر نهاده بلکه از ایشان تأثیر هم پذیرفته است. در این میان تأثیر ادبیات تعلیمی بر عواطف و نگرش‌های انسان بسی قابل تأمل تر می‌نماید؛ مثلاً رویکرد کودکان به افسانه‌ای بسا به دلیل شناخت خوبی و معیارهای خوب بودن است و دانستن راه و رسم اجتناب از بدی‌ها. قصه‌ها به هنرمندانه‌ترین گونه ممکن یک حادثه را پی‌جویی می‌کنند؛ فرآیندی که سبب آمیختن مخاطب با فضای قصه و تأثیرپذیری از آن می‌شود.

ادبیات بین نویسنده و خواننده ارتباط برقرار می‌کند. ذهن خواننده را درخصوص تلقی‌های نویسنده به چالش می‌کشد. خواننده را وامی‌دارد تا در برابر کلام نویسنده موضع‌گیری کند و شخصیت مستقلانه و منحصر به فرد خود را باز یابد و بروز دهد. در عصری که به مدد رسانه‌های دیجیتال انواع تفریحات مختلف برای انسان رقم خورده هنوز هم آثار ادبی می‌توانند تخیل وی را در ید اختیار خود بگیرند. ادبیات به تمایلات و تأملات زیباشناختی ما شکل می‌دهد و به ما می‌آموزد که به زیبایی همچون مطالبه‌ای انسانی احترام بگذاریم و برای پاسداری و گسترش آن بکوشیم. بالابردن حساسیت‌های زیباشناختی نسبت به انسان و محیط از مهم‌ترین آورده‌های ادبیات است. به بیانی دیگر، ادبیات در توسعه فردیت و خویش‌نخستین خویش انسانی همواره سهم داشته است.

ادبیات بر سطح دانایی جوامع هم تأثیر می‌گذارد. به یقین هرچه بر دانایی ما افزوده شود، مطالبات علمی ما بیش و بیشتر خواهد شد. به بیانی دیگر، ادبیات ایجاد عطش علمی می‌کند. آثار ادبی به ما در شناخت تشابهات و اختلافات فکری و رفتاری جوامع یاری می‌رساند و از این مسیر بیشتر راغب به جستن حقیقت می‌شویم. به این ترتیب نسبت به مباحث، بستر و فرجام آن‌ها علاقه‌مند می‌شویم و همین امر نقطه عزیمت به سوی باروری علمی جامعه است.

ادبیات به برآورده‌سازی نیاز انسان به لذت مساعدت فراوانی می‌کند. حضور مؤثر دو عنصر خیال و عاطفه، محدودیت‌های زمان و مکان متعارف را برمی‌دارد و دامنه‌های لذت‌آفرینی را می‌گستراند. از همین رو است که پیام آثار ادبی به عمیق‌ترین شکل ممکن درک می‌شود؛ زیرا از آن حظ وافر برده‌ایم. ادبیات به مانند زبان، عنصری از فرهنگ است؛ اما تنها شأن ارتباطی ندارد، بلکه شأن انتقالی هم دارد. علاوه بر این ادبیات به تقویت واژه‌گزینی و واژه‌پردازی انسان کمک می‌کند؛ زیرا گزینه‌های مختلف و متنوعی از ساخت و ترکیب واژگان و جملات را در اختیار انسان می‌گذارد تا مراد ذهنی ما بتواند به الحان بیانی مختلفی انتقال یابد. می‌دانیم که سخن مؤثر تنها معطوف به بلاغت نیست بلکه مربوط به فصاحت نیز هست. همچنین ادبیات به تلطیف و تعالی خاطرات انسان هم می‌پردازد. همه خاطره‌های انسان شیرین و جذاب نیستند. ادبیات قادر است رویکرد نوینی نسبت به خاطرات کهن ما ایجاد کند و از

داده‌های بی‌مقدار، زاده‌های ارزشمند بازتولید کند. در عالم ادبیات است که می‌توان با کمک زمان و مکان انفسی و ترک موقت زمان آفاقی به جرح و تعدیل در خاطره‌های گذشته بپردازیم. می‌توانیم عناصر متعارف را به عناصر متعالی تبدیل کنیم.

ادبیات می‌تواند حوزه‌های انتقادی جدیدی را بر ما بگشاید. می‌تواند به انتقاد از نابسامانی‌های اجتماعی بپردازد و ما را نسبت به تغییرات و تحولات پیرامونمان به مراتب حساس سازد. از این رو است که ادبیات ابزار اعطای آگاهی و نقد (در معنای اصیل آن) است.

شکل شماره -گونه‌شناسی کارکردی ادبیات (منبع: نگارندگان)

ردیف	نوع کارکرد	نتیجه
۱	اشتراک‌گذاری دانسته‌ها با دیگران	توسعه روند تفکر
۲	کلید ورود به گنجینه‌های فکری و ذوقی انسان‌ها	وقوف به احوال و آرای اقوام و ملت‌های مختلف
۳	کاوشگری در ژرفای وجود انسان	توانایی شناخت و برقراری انواع ارتباطات و پیوندها
۴	توجه به ماهیت باطنی رویدادها	ایجاد پیوند میان زمان و مکان آفاقی و انسی
۵	نشان‌دادن معیارهای انتخاب‌گری مناسب	بالابردن ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی جامعه
۶	بهره‌مندی از مرجعیت فرهنگی	بالابردن ظرفیت‌های زبانی و بیانگرانه
۷	بهره‌مندی زیبایی‌شناسی	اعطای نگرش لطیف به انسان
۸	شناساندن تشابهات و اختلافات فکری	ایجاد شغف شناخت مباحث و بسترسازی توسعه فکری و علمی
۹	برخورداری از خیال و عاطفه	کسب لذت‌های سرشار درونی
۱۰	اتکاء به کلمات، عبارات و جملات	بالابردن و مهارت‌های واژه‌گزینی و واژه‌پردازی
۱۱	خاطره‌سازی و خاطره‌انگیزی	بازتولید رویدادهای ذهنی روانی نوین

یکی از ویژگی‌های ارزنده فتوت‌نامه‌ها که نقش وافر در برانگیختگی و حُسن تأثیرگذاری آن‌ها داشته است، وجه بلاغی آن است. بلاغت سخن به معنای توان رسانایی و قدرت نفوذ در مخاطب در راستای به‌جای‌آوردن حق آن سخن است. به همین خاطر است که می‌توان گفت رسولان و حکیمان الهی بهره‌مند از بیشترین قدرت بلاغت بوده‌اند؛ بنابراین توفیق آن داشته‌اند که در بستر تاریخ انسان‌ها را به محتوای سخن خود به مؤثرترین گونه ممکن دعوت کنند و مولدان سنت‌های خاص باشند. به بیانی دیگر، می‌توان گفت که آنچه فرهنگ انسانی نامیده می‌شود، محصول بلاغت مردان حق در زمینه‌های گوناگون است. بلاغت، دانش و مهارت اکتسابی نیست. بلاغت، حاصل صفای باطن و صدق نیت اهل سخن است؛ صدق گفتار با رفتار، صدق بیرون و درون و درنهایت صدق ادعا و عمل. همان دقیقه‌ای که فتیان به آن تأکید می‌کردند و آن را برای توفیق انسان مغتنم و محترم می‌شماردند. پیامبر بزرگوار اسلام، بالغ‌ترین سخنگوی تاریخ انسان، می‌فرماید: «اثر کلام عالم بی‌عمل بر مخاطبان همچون تأثیر باران بر سنگ‌خارا است» [اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴] میزان بلاغت، تنها معطوف به قدرت استدلال نیست بلکه قدرت استدلال خود معلول صدق سخن است. استدلال واجد هیچ بلاغتی نیست. اگر نهج‌البلاغه

حضرت علی^(ع) را نماد روشن بلاغت می‌دانیم، به‌خاطر اتحاد وجودی او با صدق است. سخنوری به‌مانند پرتاب تیر از کمان به‌جانب مقصد معین است. به‌یقین اگر همه قوای وجودی مخاطب با هم سازگاری نداشته باشد، اصابت به مقصد ناممکن خواهد بود. اینکه گفته‌اند: «آنچه از دل برآید لاجرم بردل می‌نشیند» همان راز بلاغت است. سخن برآمده از دل، سخن یقینی است، و یقین سخن جز حاصل تجربه ایمانی گوینده درباره خویش نیست. عیار بلاغت به میزان صدق سخن بازمی‌گردد و صدق سخن معلول صدق سخنگوست. برای همین است که واژه‌ها و عبارات یگانه از زبان دو فرد غیر یگانه، اثرات متفاوتی دارند.

در اسرارالتوحید شیخ فریدالدین عطار نیشابوری آمده است: «شیخ ما [ابوسعید ابوالخیر] روزی در حمام بود، درویشی شیخ را خدمت می‌کرد و دست بر پشت شیخ می‌مالید، و شوخ [= چرک] بر بازوی او جمع می‌کرد، چنان‌که رسم قایمان [= کیسه‌کشان] باشد تا آن کس ببیند که او کاری کرده است. پس در میان این خدمت از شیخ سؤال کرد که: ای شیخ! جوانمردی چیست؟ شیخ ما حالی [= بلافاصله] گفت: آنکه شوخ مرد به روی مرد نیاوری. همه مشایخ و ائمه نیشابوری چون این سخن شنودند، اتفاق کردند که کسی درین معنا بهتر ازین نگفته است» (ر.ک: اسرارالتوحید) شیخ فریدالدین عطار نیشابوری نیز محتوای این حکایت را این‌گونه به شعر درآورده است (ر.ک: منطق الطیر عطار نیشابوری).

۳-۱-۳- منزلت شاگردی در وادی حق وردی هنر

از منظر طبقات اجتماعی، عیاران و پهلوانان همه مربوط و متعلق به اقشار تولیدکننده شهری‌اند و نوعاً صنف خود را با نام خود همراه داشتند تا به آنجا که می‌توان گفت: «فتوت، نهضتی مربوط به اصناف و پیشه‌وران شهری بوده است» (بهار ۱۳۷۶: ۱۹۲) و پیشگامان و پیش‌قراولان این عرصه پیشه خود را با اندیشه عارفانه خویش همسو می‌دانستند. هریک از تشکیلات و سازمان‌های شهری، «شیخ» یا «پیر» یا «استادی» داشتند که بالاترین مرتبه در تشکیلات آن‌ها به‌شمار می‌آمد و سایر فتيان همچون شاگردان او بودند. پیر یا استاد، به آنان عیاری و شاطری می‌آموخت و اگر کسی قصد الحاق به یکی از تشکیلات و اصناف را داشت، ابتدا می‌بایست این مرام‌نامه را بپذیرد تا به آن صنف بپیوندد. مهم‌ترین شباهت میان همه فتوت‌نامه‌ها تأکید آنان بر اخلاق بوده و تنها در اجزای مربوط به هر صنف، تفاوت‌هایی وجود داشته است. «پیر»، سامان‌دهنده وجه اخلاقی تشکیلات و صنوف بوده است. وی شاگردانی (رهروان طریقی) داشت که به آنان منزلت و مرام حضور فنی و اخلاقی در آن پیشه را می‌آموخت؛ زیرا همیشه شاگردی کردن شأنی از شئون توفیق علمی بوده است. آنچه استاد در فرآیند آفرینش اثر هنری به شاگرد می‌آموخت، اعطای روش‌های پاکبازی و پیراستگی از

کدورت‌های دنیایی و آنچه شاگرد فرامی‌گرفت تهذیب و صفای باطن بود.

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار
چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم
حافظ

روح پدرم شاد که می‌گفت به استاد
فرزند مرا هیچ میاموز به جز عشق
لادری

هیچکس از نزد خود چیزی نشد
هیچ حلوایی نشد استاد کار
تا که شاگرد شکرریزی نشد
هیچ آهن خنجر تیزی نشد
منسوب به مثنوی معنوی مولوی

«در شهرهای اسلامی که در طول قرون، محل ظهور بیشترین‌های از آثار هنری اسلامی بوده‌اند – پیشه‌وران از همان ابتدا، آن هم به دلیل نزدیک‌بودن به عرفا و به‌ویژه نفوذ شخصیت ممتاز حضرت علی علیه‌السلام که مستقیماً از سرچشمه پیام، الهام می‌گرفتند – دارای انجمن‌های صنفی (عمدتاً موسوم به انجمن فتوت) بوده‌اند» (نبوی، ۱۳۷۸: ۵۴). استادان هر صنف از راه همین رابطه روحانی و پیشه‌ای، مدارج «رازآشنایی» را می‌پیمودند. دیگر اعضای آن پیشه هم می‌کوشیدند تا روش‌ها و مهارت‌های صنف خود را به کار گیرند. آنان یقین داشتند که در پس حرف و مشاغل آنان رازی است. همچنان‌که بنا به اعتقاد فتوت‌نامه‌ها هیچ حرفه و فنی نمی‌تواند منشأ زمینی داشته باشد؛ بنابراین برای دستورات صنفی اخلاقی خود منشأ قدسی قائل بوده‌اند؛ مثلاً در فتوت‌نامه بنایان آمده است: «اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود که خانه کعبه بنا کرد ... اگر پرسند بزرگ‌تر بنایان که بود بگو که پیغامبر ما بود که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست حضرتش با دیگر مؤمنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند ... اگر پرسند کریم‌ترین بنایان که بود بگو علی بود ... که در بنای مسجد مدینه پیامبر را معاضدت کرد و او سر جوانمردان است و بزرگ‌ترین ایشان در مقام» (خانمحمدی، ۱۳۷۱: ۱۴).

در نظام استاد-شاگردی اعطا و اخذ یا تعلیم و تعلم در انتقال مهارت‌ها و راز و رمزها که از استاد به شاگرد می‌رسیده در گرو یافتن اهلیت بوده است. شاگرد می‌بایست از توقف در اخلاق و عادات بد و خودبینی، خودپسندی‌ها و غرور و دنیاطلبی پرهیز می‌کرده است (احمدیان و آقاشریفیان اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶۶)؛ ولی از آنجاکه کاشفی سبزواری، بیان می‌کند: «بدان که هیچ کاری بی استاد میسر نمی‌شود و هر که بی استاد کاری کند، بی‌بنیاد باشد» (۱۳۵۰: ۹۰) پس به نظر می‌رسد که انتخاب استاد، شیخ و پیر وارسته، که به‌نوعی مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری این نظام ارزشی دارد، اصلی‌ترین وظیفه شاگرد بوده است.

۲-۱-۳- فتوت؛ مطلوبیت کار و کار مطلوب

فتوت تنها در محدودهٔ عرفان نظری محصور نماند. از آنجاکه بسیاری از اهالی عرفان، خود شغلی و پیشه‌ای داشتند بر آن شدند تا مشی خود را در مرام شغلی خود هم تسری دهند. اعتقاد راسخ ایشان آن بود که اگر کسی وارد وادی فتوت شود، شغل او هم باید با این امر مأنوس باشد. به عبارتی اشتغال باید با اشتغال اخلاقی قرین باشد. هیچ انسانی نمی‌تواند از کار مفارقت داشته باشد. کار، جوهر آدمی را می‌گشاید. آنان به این سنت نبوی استناد می‌کردند که خداوند، مؤمن کوشا را دوست دارد. همهٔ پیامبران الهی دلدادهٔ راستین کار خویشتن بودند. زکریای پیامبر، نجار بود؛ سلیمان، زنبیل می‌بافت؛ ادریس، خیاط بود؛ ابراهیم و موسی چوپانی می‌کردند و صالح و جرجیس به تجارت می‌پرداختند. در فتوت‌نامهٔ چیت‌سازان آمده است که لوط پیامبر، هنر رنگرزی را فراگرفت؛ همچنان که در فتوت‌نامهٔ آهنگران، داوود نبی^(ع) را نخستین آهنگر می‌نامند و یا اینکه کرباس‌بافی به شیث نبی منسوب شده است: «طبق اصول فتیان، جنبهٔ معنوی و باطنی یک حرفه از یک نبی یا ولی اخذ شده است» (پازوکی، ۱۳۸۴: ۴۸).

فتوت‌نامه‌ها همواره به امر قدسی اهتمام اعتقادی داشته‌اند و منشأ هنر را به مبدأ آغازین خلقت پیوند می‌زده‌اند؛ چنان که در فتوت‌نامهٔ بنایان می‌خوانیم که «اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود علیه‌السلام که خانه کعبه بنا کرد. دیگر گفته‌اند اول بنا نوح پیامبر بود علیه‌السلام که چون طوفان بنشست شهرها و روستاها دیگر بار بساخت ... اگر پرسند بزرگ‌تر بنایان که بود بگوی که پیغامبر ما بود صلی الله علیه و آله که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست حضرتش با دیگر مؤمنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند» (خان‌محمدی، ۱۳۷۰: ۱۰). نویسندگان این متون به طنطنهٔ الفاظ، مضمون‌آفرینی و آرایه‌های لفظی توجه می‌کنند و می‌کوشند که هنر و ادبیات را به مثابهٔ تبیین ذوقی ناله‌های فراق انسان معرفی نمایند. انسان به سرایش شعر پرداخت آن زمان که غربت از محبوب ازل را با همهٔ وجودش تجربه کرد و به وسعت ندامت از کرده‌های گذشتهٔ خود وقوف یافت. دولتشاه سمرقندی که خود به آیین فتوت وابسته و از فتیان بنام محسوب می‌شود در سال ۸۹۲ هجری قمری در تذکرهٔ *الشعرای فارسی* - که متضمن شرح حال ۱۰۵ تن از شعرای فارسی زبان است - می‌نویسد: اول کس که در عالم شعر گفت «آدم» بود و سبب آن بود که «هابیل» مظلوم را «قابیل» مشنوم بکشت و «آدم» را داغ غربت و ندامت تازه شد و در مذمت دنیا و مرثیهٔ فرزند شعر گفت.

ای بسا همهٔ این انتسابات از حیث تاریخی صحت نداشته باشد؛ اما باید دانست که اهل فتوت رویکردشان به تاریخ، انفسی (باطنی) بوده است. اگر متن فتوت‌نامه را بسی در رفتار هنرمندان و پیشه‌وران نافذ می‌بینیم، خود مدیون بلاغت آن و درنهایت صدق باطنی نویسندگان آن‌هاست. این فتوت و رادی است که فرمان می‌دهد که هر کنش انسانی مؤثر را باید به منشأ حقانی آن پیوند زد. صدق به

انسان ثبات می‌دهد. ثبات قدم و داشتن پشتکار به‌عنوان عوامل لازم برای به‌ثمرنشتن امور، نزد اهل فتوت دارای ارزش بالایی بوده است. به‌گونه‌ای که به‌صورت مستقیم و یا ضمنی، آن را جزو شروط هر صنف اهل فتوت می‌دانستند (ر.ک: افشار، ۱۳۸۹ و کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۹۵ و میرفندرسکی، ۱۳۸۷:

۹۰). از دیگر مصادیق کار مطلوب می‌توان به موارد زیر در این منابع اشاره کرد:

«ترک راحت و کشیدن محنت، فرو نگذاشتن کار، همه توان را متمرکز کار کردن که به صدق در خدمت معروف بوده است و پندپذیری در روش‌های انجام کار، توجه به استعدادها و فرد و نفع (نیاز) اجتماعی از حاصل آن کار، استادبودن و مهارت‌داشتن در انجام کار، خلق نیکو با همگان، بهره‌گیری صحیح از امکانات جامعه (کارآفرینی برای سایر اصناف)، توجه به نفع مردم و سایر اصناف (در چرخه تأمین و توزیع) همه و همه از کلیدواژه‌های فتوت‌نامه‌هاست که بی‌درنگ بر عرصه‌ها و عرضه‌های ادبی و هنری پرتو افکند؛ برای مثال هجویری در پایان کتاب خود از تحمل جور به‌عنوان راه کامیابی نام می‌برد» (جلابی هجویری، ۱۳۵۸: ۴۱). می‌دانیم که طاق‌محنت در مجاورت اسباب کتاب ازجمله شروط خطاط‌شدن در نزد میر علی هروی است. او می‌نویسد:

چند در وادی خط صرف کنی نقد حیات
بشنو از من سخنی و بنشین فارغ‌بال
پنج چیز است که تا جمع نگردد با هم
هست خطاط‌شدن نزد خردمند محال
دقت طبع و وقوفی ز خط و خوبی دست
طاق‌محنت و اسباب کتابت به کمال
کار هنری و هنرمندانه زمانی مطلوب خواهد بود که بتواند در فرآیند مطلوب، برآیند مطلوب داشته باشد.
این مهم زمانی میسر است که دارای پشتوانه معنوی باشد.

۲-۳- نظام معنوی برگرفته از آیین فتوت و فتوت‌نامه‌ها

نظام معنوی فتوت‌نامه‌ها، از جهت بیان راه‌هایی که هنرمند را به هدف مطلوب خود و مقام هنرمندی نائل می‌کنند، شامل افکار و آداب جوانمردی به‌شکل یک سلسله تعالیم اخلاقی و حکمت عملی می‌شود. این ذخایر معنوی و فرهنگی در دوره حیات اجتماعی خود، برای عام و خاص کارساز بوده، و تجربه اجتماعی را به‌دست آورده، به‌نوعی که جزئی از فرهنگ و تاریخ شفاهی گردیده و از نسلی به نسل بعد منتقل شده است: «خلاصه و چکیده آن عبارت است از تکالیفی که شخص به حکم محبت و به فرمان عشق اجرای آن را به عهده گرفته و بحث نظری و عملی آن در فتوت‌نامه‌های گوناگون آمده است که می‌توان همه را به‌عنوان آیین جوانمردی نامید» (احمدیان و آقاشریفیان اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵۶).

۱-۲-۳- پشتوانه معنوی با ذکر دعا و توکل

در نگاه اهل فتوت، کار برای هنرمندان، دو جنبه دارد:

(۱) مادی: وسیله کسب روزی حلال و پرورش و رشد شخصیت فردی و اجتماعی است؛

(۲) معنوی: ابزاری در راه سلوک معنوی آنان محسوب می‌شده است و این جنبه بر مادیات آن، برتری داشته است. آمیختگی محتوایی و ابزاری بین هنرمند و صنعت‌اش، به گونه‌ای بوده که اصولاً برای ورود به آیین فتیان، **موظف می‌شدند** که هنر یا صنعتی را اختیار کنند. در این باره «ندیمی» می‌گوید: «در زمانی که رواج فتوت و جوانمردی در ایران به اوج رسیده بود، آیین فتوت هر صنف و پیشه‌ای را به تفصیل بیان کرده بودند و هرکس هم که حرفه ای نداشت، هنگامی که وارد سلسله فتوت می‌شد، می‌بایست پیشه‌ای اختیار کند» (۱۳۷۴: ۴۵۸). این نگاه اهل فتوت به هنر- صنعت از نوع الزام بود؛ ولی آنان برای حکمت عملی خود، پشتوانه معنوی از کلام الله نیز داشتند (ر.ک: اسلامی و مندگاری، ۱۳۸۴: ۹۸ و خان‌محمدی، ۱۳۷۱: ۱۵)؛ به گونه‌ای که در مواردی همچون فتوت‌نامه‌آهنگران، پابندی به آن‌ها را عامل برکت و حلالی روزی و راهی برای شکرگزاری نعمت‌های الهی و آرامش روحی می‌دانستند. در مقابل نیز، عدم پابندی و اجرای این فتوت‌نامه‌ها را باعث حرام‌شدن کسب، شرمندگی و روسیاهی در قیامت و ... می‌دانند (ر.ک: افشار، ۱۳۸۹).

۴-۲-۳- جایگاه ویژه اخلاق‌مداری

با تفکیک دستورات اخلاقی در فتوت‌نامه و آیین فتوت، می‌توان آن‌ها را در سه گروه جای داد:

اخلاقیات فردی، اخلاقیات اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای. مثلاً «افندی» پیرامون صفات اخلاقی استاد خود می‌گوید: «عادت شریف وی چنین بوده است که تا مالی به دست آورد، حب خدای را، نهانی بر درویشان بذل و تصدق کند. هرگز نبوده است که درهمی یا دانه‌ای پنهان و اندوخته و ذخیره کند و در اندیشه اندوختن مالی چند باشد» (۱۳۸۹: ۹۷). مهم‌ترین این سنن اخلاقی چنین است: «التزام به قراردادهای و پیمان‌ها، مراعات چارچوب‌های شرعی و حقوق مالی، عدم سهل‌انگاری در امور دینی، هدفمند زیستن، توجه به کرامت انسانی، ممنوعیت تعاون بر بدی‌ها، توجه به میراث هنری-اخلاقی استادان گذشته و زنده‌نگه‌داشتن نام استادان، ادای احترام به خانه و خانواده استاد، خصوصاً تربیت فرزندان ذکور استاد، احترام به مرقد استاد، استمداد از روح استادان و دعا و خیرات برای ایشان، همراهی استادان و شاگردان به جلسات وعظ و خطابه و زورخانه، انتقال آداب و رسوم و شعائر اخلاقی-مهارتی در قالب ضرب‌المثل، شعر و نثر کوتاه (سنت ترجمان)، حراست و حرمت نسبت به ابزار کار و کارگاه» (احمدیان و آقاشریفیان اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۲).

۱-۳- نظام عملکردی برگرفته از آیین فتوت و فتوت نامه ها

لزوم پیاده سازی حکمت نظری در بستر اجتماعی، یکی از مهم ترین تأکیدات اهل فتوت بوده است؛ به گونه ای که مفید بودن وجود فرد از طریق اختیار کردن هنر-صنعتی که مردم از نتیجه اش منفعتی ببرند و با کرامت انسانی و اسلامی فرد در منافات نباشد، شرط لازم برای ورود به فتوت بوده است. از دیگر سوی، هنر-صنعت ها، بستری برای شکل گیری تشکیلات منسجم و هدفمند برای استفاده از مزایای کار گروهی بوده است. به این صورت نظام آموزش هنر و مهارت، با کمترین هزینه و امکانات، و کوتاه ترین روش که آموزش در عملیات است، پیاده سازی می شده است.

۱-۲-۳- شایسته سالاری

آنچه امروزه به آن ترکیب تعهد و تخصص می گویند، همان روشی است که فتیان برای ادامه مسیر حکمی-عملی خود پیاده می کردند و همیشه به دنبال مستعدان و پاک سیرتان بودند. از دیگر سوی، لزوم دستگیری از نزدیکان و آشنایی با علائق و روحیات آنان، باعث می شد که غالباً نیروی انسانی خود را از میان ایشان برگزینند. چنان که نمود آن را به شکل خاندان های هنری و صنعتی می توان دید که البته کارکردهای شغلی (حفظ اسرار شغلی، افزایش میزان تعهد و دلسوزی) نیز داشته است. به دیگر سخن، صرف داشتن توانایی و مهارت بالا باعث رسیدن به جایگاه برتر می شده است و نظام و تشکیلات هنر-صنعت های ایشان، براساس اولویت شایسته سالاری و شناخت از جنبه های روحی و علائق افراد، اقدام به فرصت دهی به آنان می کرده است. به نظر می رسد مناصب معمول و غیرحساس را نیز با اولویت به کارگیری آشنایان انجام می دادند. البته این آشنایی به معنی خویشاوندسالاری و تبعیض نبوده، بلکه آشنایی به معنی شناخت همه جانبه از روحیات و باورمندی های اخلاقی آنان بوده است؛ مثلاً «اسفندیار» درباره جذب افراد نخبه توسط بزرگان، روایتی دارد: «روزی ابوعلی سینا از جلوی آهنگری (یا نانوايي) می گذشت. کودکی را دید که از آهنگر مقداری آتش می خواهد. آهنگر گفت: ظرفت را بگیر تا آتش در آن بریزم، ولی کودک ظرف نیاورده بود، کودک بی درنگ خم شد و مقداری خاک از زمین برداشت و کف دست خود پهن کرد و گفت: بریز. ابن سینا از تیزهوشی او در شگفت ماند. جلو رفت و نام کودک را پرسید. پسرک گفت: نامم بهمنیار است. ابن سینا او را به شاگردی خود پذیرفت و در تربیتش کوشید. یکی از حکیمان و دانشمندان روزگار خود شد» (۱۳۸۶: ۵)

۲-۲-۳- تعاون در امور عام المنفعه

حضور هنرمندان در عرصه های اجتماعی، نه تنها منجر به کمال فطرت آنها، بلکه سرمشق سایر افراد جامعه هم بوده است. به گونه ای که در برخی موارد، صاحبان هنر-صنعت های اهل فتوت، در کمالاتی

همچون بی‌آزاری نسبت به خلق، و ظلم‌ستیزی پرچم‌دار بوده‌اند. به نظر می‌رسد اصل خدمتگزاری به خلق برگرفته از فرمایش حضرت رسول اکرم بوده که فرموده‌اند: «خلق همگی عیال و خانواده خداست و محبوب‌ترین مردم کسانی هستند که نسبت به بندگان خدا دوستدار و مهربان باشند» (ریاض، ۱۳۸۲: ۵۷). همچنین کمک‌های مالی مختلف به نیازمندان، از شروط بسیاری از فتوت‌نامه‌ها بوده است. مثلاً در فتوت‌نامه/هنگران آمده: «اگر تو را پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب، بگو که دوازده شرایط است ... هشتم، از چهار درم یک درم به راه خدای تعالی صرف کردن» (افشار، ۱۳۸۹). وجه اجتماعی قشر هنرمندان، با چنین اموری شکل گرفته است، که جنبه‌ای از حکمت عملی و راهی برای افزایش اهمیت و جایگاه هنر در نزد مردم است؛ چه اینکه اتصاف به هنر را باعث چنین دیدگاهی در هنرمندان می‌دانستند.

۳-۲-۳- مهارت‌آموزی

توجه به مهارت‌های عملی در انجام امور هنر-صنعت‌ها، در کنار سایر ارکان معنوی و ارزشی، نشان‌دهنده عدم غفلت آن‌ها از عمل‌گرایی است؛ مثلاً «صراف» (۱۳۷۰: ۲۳۰) درباره مهارت‌های ارتباط اجتماعی می‌گوید: «(استاد) باید شاگردان را چنان تربیت کند و آماده سازد و به کمالات رساند که اگر روزی مأموریتی یا پیامی برای شاگردان دیگر داشت، بتواند از عهده برآید؛ یعنی بداند با دیگران برحسب مقام معنویشان چه بگوید و از ایشان چه بخواهد و بداند در هر موقع و مکان چه رفتاری کند که زینده جوانمردان باشد».

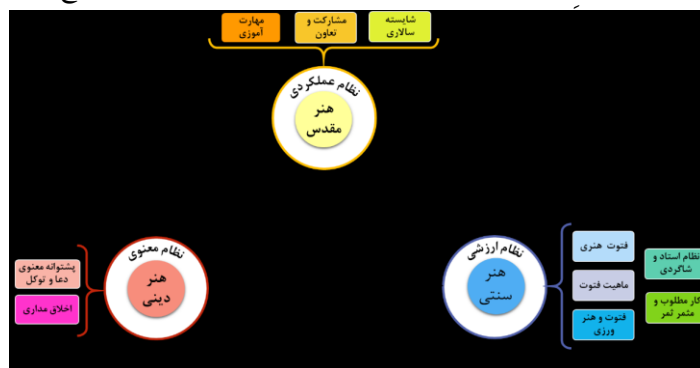
نتیجه‌گیری

اثر هنری هرگز نمی‌تواند از نظر و نیت هنرمند رها و جدا باشد؛ بنابراین بن‌مایه‌های معرفتی، شهودی و اخلاقی هنرمند در اثر موردنظر جریان می‌یابد، به‌رغم اینکه هنرمند به این مهم معترف باشد یا نباشد. هنر در گذشته شأنی از شئون اخلاقی تلقی می‌شد و هنرمند به‌نوعی از مسیر هنر به ارتقاء معنوی دست می‌یافت؛ بنابراین می‌توانست مخاطبان خود را هم به این جایگاه برساند. نگاه استاد - به‌عنوان شناساننده و راهبر هنر- نگاهی فرآیندمحور بود پیش از آنکه برآیندمحور باشد. برای همین است که هریک از صنوف و حرف مرام‌نامه‌های صنفی اخلاقی خاصی موسوم به فتوت‌نامه داشتند که متکی و مبتنی بر سه اصل کلان بود: نخست آنکه پیشه‌ها تنها دلالت‌های متعارف ندارند؛ بلکه دلالت‌های متعالی هم دارند؛ بنابراین تمام پیشه‌های سودمند انسانی منشأ بر این دارند و به فعل اولیای خداوند بازمی‌گردند. دوم آنکه نمی‌توان بدون اتخاذ پیشه به اندیشه رسید و اندیشه باید به ترمیم و تعالی اخلاقی ختم شود. سوم آنکه برای نیل به توفیق و تعالی مضاعف باید دامن استاد را همچون خضر طریق به‌کف آورد تا از گمراهی رهید و به سعادت رسید؛ بنابراین هنر در متون فتوت‌نامه‌ها عمقی فراتر از محدوده‌های

زمان و مکان می‌یابد و از موقعیت‌های جغرافیایی و شرایط اقلیمی بالاتر می‌رود و مفهومی استعلایی پیدا می‌کند که می‌توان آن را حقیقتی جاویدان دانست که بر همه عصرها و نسل‌ها احاطه دارد. نویسندگان فتوت‌نامه‌ها به صورت فراتاریخی با هم به اشتراک می‌رسند. در اینجا آنان از مرزهای تاریخی معمول بالاتر می‌روند و به تاریخ انفسی دست می‌یابند. هر رخداد هنری در اینجا رها از محدوده‌های جبری و در رویارویی حضوری و بی‌واسطه با نفس مخاطب تجربه می‌شود و به الزامات یک دوره خاص محدود نمی‌شود. معنویت، حوالت تاریخی هنر است. اعم از اینکه هنرمند مقرر به این تقدیر باشد یا نباشد. فتوت‌نامه‌ها روش تاریخی‌نگری را در اصل نفی می‌کنند؛ اما این به معنای بی‌توجهی به رویکرد تاریخی نیست. آنان اصالت بخشی مطلق به تاریخ را در شناخت و معرفی هنر نفی می‌کنند؛ اما چنان نیست که به تاریخ یکسر بی‌توجه باشند؛ زیرا هنرمند فاقد تاریخ، فاقد خاطره و گم‌گشته است.

محتوای فتوت‌نامه‌ها در تعالی ساحت اخلاقی هنر ایران از چند جهت نقش آفرین بوده است: نخست آنکه میان هنرآفرینی و فعل اخلاقی نسبتی برقرار کرد و فرم، مصالح و تکنیک را تنها شرط لازم در تحقق هنر دانست؛ حال آنکه رعایت این امور به منظور کفایت هنری یک اثر نیست بلکه کفایت اثر هنری مدیون و مرهون تأثیرپذیری هنرمند از اخلاق و تأثیرگذاری اخلاقی بر مخاطب است. دیگر آنکه این مفاهیم با زبانی بلیغ و فصیح منتقل گردید. به عبارتی اگر بار بلاغی گسترده و سادگی شکوهمندانه متون فتوت‌نامه‌ها نبود هرگز معانی در نهاد مخاطب در نمی‌گرفت. سوم آنکه فتوت‌نامه‌ها هنرآفرینی را نه یک تفنن، بلکه گونه‌ای تنفس روحانی نمایانند؛ این درحالی است که هنر معاصر امروز با هیجان‌آفرینی، تفرج، تخدیر و توهم مواجه است. بازخوانی نقادانه فتوت‌نامه‌ها به عنوان میراث مکتوب فرهنگی ما می‌تواند به اعتلای معنوی و اخلاقی هنر معاصر بسی مساعدت کند. این متون که حاصل ممارست‌های عارفانه و هنرمندانه اهل تأمل و تدبر بوده است، گنجینه‌های ارزشمندی نه تنها برای مطالعات پژوهشی، بلکه برای ترسیم راهبردها و جریان‌سازی‌های فکری- هنری است و در مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات فارسی و هنر نقش راهبردی خواهد داشت.

نمودار ۱- تطبیق وجوه کارکردی منعکس در فتوت‌نامه‌ها با ساحت هنر معاصر (منبع: نگارندگان)



- فهرست منابع و مآخذ
- کتاب‌ها
- ابراهیمی، نادر. (۱۳۷۸). «چیستی و فلسفه هنر»، چیستی هنر، به کوشش عباس نبوی، تهران، مرکز پژوهش‌های نهاد-قطران صص ۵-۲۲.
- ابن المعمار البغدادی الحنبلی، ابو عبدالله محمد بن ابی المکارم. (۱۹۵۸). کتاب الفتوه، بغداد، مکتبه المثنی.
- اسفندیاری، امید (۱۳۷۸)، «معرفت شناسی هنر، چیستی هنر»، به کوشش عباس نبوی، تهران: مرکز پژوهش‌های نهاد-قطران صص ۴۸-۶۹.
- افشاری، مهران و مدائنی، مهدی. (۱۳۸۱). چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- پازوکی، شهرام. (۱۳۸۴). «حکمت هنر و زیبایی در اسلام»، تهران: فرهنگستان هنر.
- تقوی، رضا. (۱۳۸۵). تأملات فرهنگی، تهران، انتشارات نخیل.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۱). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار علامه جعفری.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۰). دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، تهران: انتشارات طلوع.
- سلمی، ابو عبدالرحمن. (۱۳۶۹). مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۸، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۷۰). فتوت‌نامه، تهران: چاپ مرتضی صراف.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). قلندریه در تاریخ، تهران: انتشارات سخن.
- صراف، مرتضی. (۱۳۵۲). رسائل جوانمردان، مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، با مقدمه و خلاصه فرانسوی از هانری کربن، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). اخلاق حرفه‌ای، تهران: نشر مجنون.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۹۶). رساله قشیری، مترجم ابوعلی بن احمد العثماني؛ تصحیح سیده مریم روضاتیان، تهران: نشر سخن.
- گنون، رنه. (۱۳۶۵). سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، علی محمد کاردان، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.

- کربن، هانری. (۱۳۶۳). آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۷۷). مقدمه بر کتاب اصفهان تصویر بهشت؛ تألیف هانری استیرلن، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: نشر فرزانه روز.
- کروچه، بندتو. (۱۳۹۳). کلیات زیبایی شناسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی ملایری، احمد. (۱۳۷۶). آیین نگارش و سخنوری، تهران: انتشارات زرین.
- منور، محمد. (۱۳۸۹). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تهران: دنیای کتاب.
- معتمدی، احمد رضا. (۱۳۶۸). مبانی هنر موعود، تهران: انتشارات برگ
- موسوی، سید رضی. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش شناسی هنر اسلامی، تهران: انتشارات ادیان با همکاری مدرسه اسلامی هنر.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). سابقه جوانمردی در ایران باستان، برگرفته از هانری کربن، آیین جوانمردی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۴۷). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ریاض، محمد. (۱۳۸۲). فتوت نامه: تاریخ، آیین، آداب و رسوم، به انضمام رساله فتوتیه میر سید علی همدانی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- عبدالرزاق کاشانی، کمال الدین. (۱۳۶۹). تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان، با مقدمه و تصحیح سید محمد دامادی، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- واعظ کاشفی سبزواری، حسین. (۱۳۵۰). فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ناصری. (۱۹۴۴). فتوت نامه مولانا ناصری، تصحیح فرانتس تشنر، لایپزیگ.
- مقاله ها
- اعوانی، غلامرضا. (۱۳۸۰). «اشارت»، نشریه همایش بین المللی معنای زیبایی، شماره ۲، تهران: فرهنگستان هنر.
- امام جمعه، سید مهدی. (۱۳۹۰). «رویکرد حکمت متعالیه به هنر اسلامی»، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و درس گفتارها)، به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بلخاری، حسن. (۱۳۹۰). «رویکرد اخوان الصفا به هنر اسلامی»، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و درس گفتارها)، به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر.

- بینای مطلق، سعید؛ ایزدی دهکردی، سیده مریم. (۱۳۹۷). «عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (باتأکید بر فتوت‌نامه‌ها)»، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ صص ۱۱۷-۱۳۹.
- _____ (۱۳۸۶). «معنای صنعت در حکمت اسلامی، شرح و تحلیل رساله صناعیه میرفندرسکی»، مجله علمی پژوهشی خردنامه صدرا، شماره ۴۸ صص ۹۵-۱۰۶.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۶۵). «عالم خیال از نظر احمد غزالی»، مجله فرهنگ و پژوهش، آبان ۱۳۶۵ شماره ۸.
- خزایی، محمد. (۱۳۹۱). «رابطه هنر و الهیات»، کتاب ماه هنر، اردیبهشت ۱۳۹۱ - شماره ۱۶۴.
- دامادی، محمد. (۱۳۷۳). «الادب و المروه از صالح بن جناح و مروان بن جناح، با تحقیق در فراز و فرود فتوت و جوانمردی، تصحیح و ترجمه محمد دامادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلمی، ابو عبد الرحمن. (۱۳۸۵). «جوانمردی و جوانمردان (کتاب الفتوه)، ترجمه قاسم انصاری، قزوین: انتشارات حدیث امروز.
- فیزیابی، بهمن. (۱۳۸۷). «آموزش در هنرهای سنتی ایران؛ بررسی سنت های آموزشی هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، ماهنامه آیین خیال (۱۱)، ۱۲۸-۱۳۱.
- فیزیابی، بهمن. (۱۳۸۷). «آموزش در هنرهای سنتی ایران؛ بررسی سنت های آموزشی هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، ماهنامه آیین خیال (۱۱)، ۱۲۸-۱۳۱.
- موسوی گیلانی، سید رضی. (۱۳۹۸). «راهکارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه»، مطالعات هنر و رسانه، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸.